مدیریت شهری
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017
۳۷۷-۳۹۴
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۶/۱۲ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۲/۱

تحلیلی بر باغ‌سازی ایران از آغاز دوران حکومت هخامنشی تا پایان عصر پهلوی

ویدا گودرزی*- عضو هیئت علمی گروه باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایذه، ایران

چکیده

باغ‌های ایرانی که پیشینه شکل‌گیری آن‌ها به دوره هخامنشی می‌رسد همواره ویژگی‌های طراحی آن‌ها از یک سو تحت تأثیر برخی از خصوصیات مهم فرهنگ، مذهب و تمدن ایران و از سوی دیگر تحت تأثیر شرایط محیطی بوده است. الگوی کلی طراحی این باغ‌ها از زمان آغاز حکومت هخامنشیان تا پایان دوره قاجار بیشتر بر طرح چهارباغی استوار بوده است که در اواخر دوره قاجار و از آغاز حکومت پهلوی این نوع الگوی طراحی تحت تأثیر تجددگرایی و سبک معماری فرنگی قرار می‌گیرد. همچنین بازخوانی مفاهیم نهفته در بطن باغ‌های ایرانی، نیازمند شناخت آیین مذهبی و دیدگاه آن ها نسبت به طبیعت و شناخت شاخصه های اصلی بهشت آرمانی در هریک از آنهاست. از این رو، این پژوهش در پی آن است تا ویژگی‌ها و الگوهای طراحی باغ‌ها و همچنین عوامل تأثرگذار در شکل‌گیری آن‌ها را از زمان آغاز حکومت هخامنشیان تا پایان دوره پهلوی را مورد کنکاش قرار دهد. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی و توصیفی با رویکرد تاریخی و قیاسی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات به شکل هدفمند با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که شکل گیری پارک های شهری در دوره پهلوی اول در ایران معلول عوامل داخلی و خارجی مختلفی بوده است. از سوی دیگر نخستین پارک های شهری در تهران و ایران تحت تأثیر سبک های معماری منظر غربی شکل گرفته‌اند. در یک جمع‌بندی کلی، باغ ایرانی پدیده‌ای فرهنگی، تاریخی، کالبدی در سرزمین ایران است. همچنین در بیشتر متون مربوط به باغ های دوره اسلامی به الگو گرفتن از بهشت در طرح آنها اشاره شده است. در این مکتب، عناصر طبیعی مانند آب وگیاه به عنوان آیه و نشانه‌ی الهی محسوب می‌شوند و از چنان اهمیتی برخوردارند که بارها در متون اسلامی نام این دو عنصر تکرار شده است.

واژگان کلیدی: باغ ایرانی، باغ‌سازی، باغ هخامنشی، باغ ساسانی، باغ صفوی، باغ قاجار، باغ پهلوی

An analysis of Iranian Gardening since the Beginning of the Achaemenid Dynasty to the End of the Pahlavi Era

Abstract

Persian gardens, whose background dates back to the Achaemenid dynasty have always been influenced by some of the main characteristics of Iran's culture, religion and civilization in design onone hand and, on the other hand the environmental conditions. The general pattern of the design of these gardens has been based on Charbaghi design since the beginning of the Achaemenid rule until the end of the Qajar period; however, by the end of Qajar period and from the beginning of the Pahlavi era, this type of design pattern is influenced by the modernity and Western architectural style. Also, the retrieval of the concepts inherent in the Iranian gardens requires the recognition of the religion and their views on nature and the main characteristics of the ideal paradise per each. Hence, the current paper aims to explore the features and patterns of garden design as well as the effective factors in shaping them since the beginning of the Achaemenid rule to the end of the Pahlavi era. This is an analytical - descriptive research with a historical and deductive approach. Data was collected purposefully using library tools and research studies. The results of the current paper show that the formation of urban parks during the first Pahlavi period in Iran has been caused by different domestic and foreign factors. On the other hand, the first urban parks in Tehran and Iran have been influenced by Western landscape architectural styles. In a general conclusion, Iranian gardens are cultural, historical, and physical phenomena in the territory of Iran. Also, in most texts related to the gardens of the Islamic period, reference is made to paradise in their design. In this school, natural elements such as water and plants are considered as divine signs, and they are of such importance that repeatedly referred to in Islamic texts.

Keywords: Iranian Garden, Gardening, Achaemenid Garden, Sassanid Garden, Safavid Garden, Qajar Garden, Pahlavi Garden

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۵۵۴۳۴۳۳۲، رایانامه: v.gh1352@gmail.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مقدمه

تاریخ باغ‌سازی یکی از مهم ترین فضاهای معمارانه از ادوار کهن در فضای ایران بوده است. به گواهی تاریخ، طراحی و اجرای این فضای معمارانه مصنوع و طبیعی همواره مورد توجه پادشاهان و مردمان این سرزمین بوده است (لبیب زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳). در سرزمین پهناور ایران باغ هایی وجود داشته‌اند که از نقطه نظر هنر و معماری نمونه های با ارزشی تلقی شده و باعث ترویج هنر باغ سازی ایرانی در دیگر سرزمین ها شده‌اند (متدین، ۱۳۸۹، ص ۵۱). ایرانی ها از دیرباز به ساختن باغ‌ها و باغچه در حیاط ها و دور و بر بناها علاقهٔ خاصی داشته اند. شاید خاطره میهن اصلی و خاستگاه قوم آریا منشا این علاقه بوده است (محمد مهدی گودرزی، مختاباد امرئی، ۱۳۹۲، ص ۵۶). می توان اظهار داشت که باغ آرمانی‌ترین و خوشایندترین فضای معماری در ایران به شمار می آمده است. زیرا کمبود آب و فضای سبز در بسیاری از نواحی کشور بویژه نواحی مرکزی و جنوبی کشور موجب می شد که باغ به عنوان فضایی سبز و آرامش‌بخش، محل مناسبی برای محل سکونت و گذران اوقات فراغت به شمار آید. همچنین تنوع اقلیمی و جغرافیایی پهناور ایران موجب شکل‌گیری انواع گوناگونی از باغ ها در طول تاریخ شده است (سلطانزاده، ۱۳۸۲، ص ۹۲). باغ ایرانی در شهرسازی و معماری سنتی ایران دارای جایگاهی بلند مرتبه و رفیع می باشد. باغ ایرانی در واقع یک پدیده فرهنگی و چند بعدی است که متعلق به جامعه و فرهنگ ایرانی است (علائی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۷). همچنین، باغ و باغسازی متضمن معانی بسیاری در فرهنگ ایرانی است، بطوریکه عالم ایرانی همواره آکنده از مظاهر باغ و طبیعت بوده است (طوسی، امامی فر؛ ۱۳۹۰، ص ۵۹). در ادبیات ایران به باغ ایرانی «باغ سرا» و یا پردیس یا فردوس گفته می شده است (علائی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۷). باغ ایرانی را می توان زیباترین محصول منتج از اصول زیبایی شناسی و طبیعت گرایی فرهنگ ایرانی دانست (تیموری گرده، حیدر نتاج؛ ۱۳۹۳، ص ۱۵). آشنایی با باغ های ایرانی و ویژگی هایی که هر یک از عناصر آن ها دارند، منجر به شناخت یکی از نیکوترین جلوه های صورت و معنا برآمده از باورهای ایرانیان است (طوسی، امامی فر؛ ۱۳۹۰، ص ۵۹). در واقع، باغ سازی هنر ترکیب عناصر معماری، عناصر گیاهی و نمایش آب با یکدیگر است، دانشدوست باغ را محوطه ایی محصور، ساخت انسان با بهره گیری از گل، گیاه و درخت و آب معرفی می‌کند که محیطی مطلوب، ایمن و آسوده بر اساس شرایط اقلیمی و فرهنگ خاص مردم بوجود می آید (نیلی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۰). از دیدگاه ترنر باغ قطعه زمینی قابل کشت است که برای جلوگیری از هجوم گاوها محصورشده و برای استفاده و تفریح انسان مناسب سازی شده است (Turner، 2005،p: 1). قدمت ساخت باغ در معماری ایران به دوره های قبل از اسلام (باغهای پاسارگاد) می رسد و دستیابی به نظم حاکم بر باغ ایرانی همراه با شکل گیری فرهنگ ایرانی حاصل شده است (نیلی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۰). کاخ های کورش در میان باغ بزرگ و انبوهی از درختان گوناگون و دشتی چمن زار و خرم واقع بوده که توسط آبگذرهای متعددی که از رود پلوار می آوردند، سیراب می‌شده است. این محوطه سرسبز را بوستان پاسارگاد (باغ سلطنتی) نامیدند (لبیب زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴). نمونه اعلاء و آرمانی ذوق سنتی شگرف هنر باغ سازی را در کشور های اسلامی همیشه باغ های شاهانه ایران باستان دانسته اند. باغ در مقام برخوردگاه آدمیان و اندیشه هایشان و به عنوان میعادگاه زمین و آسمان و نقطه تلاقی عملکرد و پندار، بهترین جای تجربه عرفانی است (محمد مهدی گودرزی، مختاباد امرئی، به نقل از سمیع آذر؛ ۱۳۹۲، ص ۵۶). همچنین باغ ایرانی، در این دوره، در پس ارزشهای نهان خود، تنها به هندسه کالبدی شناخته می شود؛ هرچند این هندسه قوی، متفکرانه و منتج از اصول آبیاری و کشاورزی بوده و از اهمیت کمی برخوردار نیست (مدقالچی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۶). در دوران پس از اسلام نیز باغ به عنوان تمثیلی از بهشت همواره جایگاه بالایی بین ایرانیان داشته است به طوری که باغ ایرانی جایی امن، آرام و مکانی برای تأمل و مکاشفه است و محلی است برای ارتباط با عالم بالا. به همین علت هیچ چیز بی‌موردی در باغ ایرانی وجود ندارد. همه اجزا با معنا و مفهومی به کار برده شده و این گونه است که نزدیکترین حالت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

را بـه بهشـت دارد (تصـوری و سـجادزاده، ۱۳۹۵). نمونـه بـارز ایـن تشـابهات را مـی تـوان در باغسـازی عصـر صفویـه و مکتـب اصفهـان جسـتجو کـرد. بـا توجـه بـه اینکـه مکتـب اصفهـان و آموزه‌هایـش متأثـر از حکمـت عقلـی شـیعی شـکل می‌گیـرد از ایـن رو بررسـی آمـوزه هـای مذهـب شـیعه و مکتـب اصفهـان در شـکل‌گیری ایـده بـاغ ضـروری بـه نظـر میرسـد (حقیقتبیـن و همـکاران، ۱۳۹۵، ص ۵). از طرفـی، سـنت باغسـازی در معمـاری ایـران در دوره قاجـار متاثـر از بـاغ سـازی قـرن ۱۷ و ۱۸ اروپـا بـه خصـوص فرانسـه کـه پایـه هـای آن مکتـب باغسـازی ایتالیایـی اسـت شـکل مـی گیـرد، ارتبـاط بیشـتر ایـران بـا غـرب، طراحـان ایرانـی را بـرآن داشـت تـا عوامـل مشـخص معمـاری ایـران را بـا توجـه خاصـی بـا عوامـل معمـاری اروپایـی در آمیزنـد و آثـاری بوجـود آورنـد (HeidarNattaj، 2010،p: 35). بعـد از آن، و در انتهـای سـده ۱۳ ه.ق و در طـی دهـه اول سـده ۱۴ ه.ق شـکل و نقشـه بـاغ هـای تهـران تغییـر پیـدا کـرد و نوعـی بـاغ بـه نـام پـارک ایجـاد شـد بررسـی بـاغ هـا در یـک دهـه پیـش از ایـن رویـداد نشـان مـی دهـد شـکل بـاغ هـا کماکان بـا بـاغ هـای اصیـل قاجـاری تهـران همخوانـی داشـته و در عیـن حـال برخـی تغییـرات در باغبانـی و آرایـش گیاهـان آغـاز شـده اسـت. تغییـرات وسـیعی کـه بـه تغییـر شـکل بـاغ هـا انجامیـد در بـاغ شـاه و پـس از آن در پـارک هـای امیـن الدولـه، ظلالسـلطان و امیـن السـلطان کـه غالبـا طـی دهـه ۱۳۰۰ ه.ق سـاخته شـدند قابـل مشـاهده اسـت. ایـن بـاغ هـا اجـزای جدیـدی ماننـد دریاچـه و عناصـر تزیینـی ماننـد مجسـمه داشـتند و نحـوه کاشـت و آرایـش گیاهـان بـه ویـژه گل هـا در آن هـا بکلـی تغییـر پیـدا کـرده بـود. در عیـن حـال نمـی تـوان در دوره هـای پیشـین و قبـل از دهـه ۱۲۸۰ ه.ق ریشـه هـای ایـن دگرگونـی را جسـتجو کـرد. ایـن بـاغ هـای نـو، بـا روابـط جدیـدی قابـل مقایسـه‌اند کـه پیـش از ۱۳۰۰ ه.ق چنـدان معمـول نبـود (جیحانـی، ۱۳۹۲، ص ۵۵). بـا توجـه بـه مباحـث ذکـر شـده بازخوانـی مفاهیـم نهفتـه در بطـن بـاغ هـای ایرانـی، نیازمنـد شـناخت آییـن مذهبـی و دیـدگاه آن هـا نسـبت بـه طبیعـت و شـناخت شـاخصه هـای اصلـی بهشـت آرمانـی در هریـک از آنهاسـت؛ زیـرا بـاغ هـای ایرانـی در حقیقـت، تجسّـم عینـی و زمینـی از بهشـت آرمانـی ادیـان مختلـف بـوده انـد (حمـزه نـژاد و همـکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۸). بـا این حال، براسـاس اندیشـه رایـج، بـاغ ایرانـی در سراسـر تاریـخ یـک هویـت ثابـت و تـداوم یافتـه دارد، ولـی بررسـی هـای دقیق‌تـر تمایـزات کالبـدی بـارزی را بیـن نخسـتین بـاغ هـای ایرانـی (بـاغ پاسـارگاد) و بـاغ هـای دوران اسـلامی نشـان می‌دهـد. بـه نظـر مـی رسـد ایـن تفاوتهـا ریشـه در اندیشـه هـا و آرمـان هـای پشـتوانه آنهـا داشـته باشـد (لبیـب زاده و همـکاران، ۱۳۹۰، ص ۳). حفـظ برخـی از عناصـر در دوره هـای خـاص بـه ویـژه سـه رکـن آب، گیـاه و سـاختمان کـه سـه جـزء ثابـت همـه بـاغ هـا هسـتند و در فرهنـگ بـه گونـه ای خـاص بـه آن هـا پرداختـه شـده اسـت نشـان از ظهـور اندیشـه هـای دینـی و اسـطوره ای در طراحـی بـاغ هـای ایرانـی داشـته اسـت. در مـورد نحـوه طراحـی و شـکل دهـی بـاغ ایرانـی تفسـیرات گوناگـون و بسـیاری وجـود دارد کـه مهمتریـن آنهـا عبـارت اسـت از الزامـات کالبـدی، اقلیمـی، اقتصـادی، سـکونتی و تفکـرات اسـاطیری، اعتقـادی و آیینـی (لبیـب زاده و همـکاران، ۱۳۹۰، ص ۴). بـه نظـر مـی رسـد بـاغ هـای پـس از اسـلام براسـاس اندیشـه هـا و باورهـای دینـی شـکل گرفتـه انـد. در واقـع هـدف عمـده از مقالـه حاضـر بررسـی و تحلیلـی بـر باغسـازی ایـران از آغـاز دوران حکومـت هخامنشـی تـا پایـان عصـر پهلـوی اسـت. بـر ایـن اسـاس ایـن پژوهـش بـه دنبـال پاسـخگویی بـه سـؤالات زیـر اسـت:

- پیشـینه طراحـی بـاغ ایرانـی بـه چـه زمانـی مـی رسـد؟
- خصوصیـات و ویژگـی هـای بـاغ هـای ایرانـی در دوران پیـش و پـس از اسـلام چگونـه بـوده اسـت؟

۲. روش شناسی پژوهش

روش تحقیـق در ایـن پژوهـش تحلیلـی و توصیفـی بـا رویکـرد تاریخـی و قیاسـی مـی باشـد. روش گـردآوری اطلاعـات بـه شـکل هدفمنـد بـا اسـتفاده از ابـزار کتابخانـه ای و مطالعـه پژوهش‌هـای صـورت گرفتـه در ایـن زمینـه گـردآوری و پـس از آن نقـد و بررسـی مـی شـود. در ادامـه بـا اسـتناد بـه شـواهد کتابخانـه‌ای و مطالعـات تطبیقـی صـورت گرفتـه در ایـن زمینـه؛ دربـاره نحـوه باغسـازی ایرانـی و سـاماندهی آن از بعـد کارکـردی و زیبایـی شـناختی، مطالعـه و بررسـی صـورت

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

گرفتـه اسـت. همچنیـن در ایـن پژوهـش، باغسـازی در دوره هـای مختلـف تاریخـی ایـران از جملـه دوره قبـل از اسـلام؛ (از زمـان آغـاز حکومـت هخامنشـی و بعـد از آن، باغسـازی در دوران ساسـانی)؛ و در دوران پـس از اسـلام؛ باغسـازی از سـده چهـارم تـا دوازدم ه.ق، باغسـازی در دوره تیموریـان، قاجـار، صفویـه و عصـر پهلـوی مـورد پژوهـش قـرار گرفتـه اسـت.

۲. پیشینه پژوهش

در برخـی از متـون مربـوط بـه معمـاری و شهرسـازی پیـش از اسـلام از جملـه شـاهنامه فردوسـی بـه طراحـی و سـاخت باغهـا در دوران باسـتان اشـاره شـده اسـت. در دوران اسـلامی نیـز طراحـی بـاغ هـا و کاخهـا بصورتـی بـارز در دوره غزنویـان مـورد توجـه قـرار گرفـت و بـا وجـود آن‌کـه نمونـه هایـی قابـل بررسـی از آن دوران باقـی نمانـده، امـا برخـی از ویژگـی هـای آن هـا را از متـون تاریخـی مـی تـوان مـورد توجـه و بررسـی قـرار داد. از دوره تیموریـان نیـز براسـاس متـون تاریخـی شـمار فراوانـی بـاغ طراحـی و سـاخته شـده اسـت. علاقـه تیمـور بـه باغهـای ایرانـی بخصـوص بـه باغهـای شـیراز چنـان بـود کـه در سـمرقند و بخـارا شـماری بـاغ بـا نـام باغهـای ایرانـی بـه دسـتور او سـاخته شـد (سـلطانزاده، ۱۳۸۲، ص ۹۲). همچنیـن، باغهـای متعـدد سـمرقند بـا جنبـه هایـی مشـترک، نشـان مـی دهنـد نمونـه اصلـی بـاغ هـای ایجـاد شـده در قرن‌هـای بعـد بودنـد. ایـن باغهـا بسـیار زود از میـان رفتنـد (انصـاری، صالـح؛ ۱۲۹۱، ص ۶). بـاغ هـای ماقبـل دوره صفـوی در طـول سـال هـای پـر ماجـرا از بیـن رفتـه انـد. تـا قبـل از دوران معاصـر و تحلیـل محققـان هنـر باغسـازی اکثـر مورخیـن بـه توصیـف سـاده بـاغ هـا اکتفـا نمـوده و از نوشـته هـای تحلیلـی در لابـه لای نوشـته هـا چنـدان خبـری نیسـت. جهـت مشـخص نمـودن سـاختار شـکل گیـری بـاغ ایرانـی بایـد بـه بـاغ هـای باقـی مانـده از دوران صفـوی تکیـه نمـود کـه حـاوی خصوصیـات مشـترک بـاغ هـای ماقبـل خـود نیـز مـی باشـند. از طرفـی نوشـته هـای مورخیـن و مقایسـه آنهـا بـا نمونـه هـای موجـود موجـب شـناخت تغییـرات احتمالـی در سـاختار ایـن بـاغ هـا در دوره هـای بعـد خواهـد بـود (متدیـن، ۱۳۸۹، ص ۵۲). در دوره قاجـار نیـز طراحـی بـاغ هـای ایرانـی هماننـد طراحـی برخـی از دیگـر فضاهـای معمـاری بـه تدریـج از معمـاری اروپایـی تأثیـر پذیرفـت و فضاهایـی طراحـی و سـاخته شـدند کـه بـه پیـروی از چگونگـی طراحـی آن هـا، در همـان زمـان پـارک نامیـده شـدند (سـلطانزاده، ۱۳۸۲، ص ۹۲).

در پژوهشـی کـه حمزه‌نـژاد و همـکاران در سـال ۱۳۹۳؛ بـا موضـوع «بررسـی تطبیقـی باغسـازی ایـران در دوران سـاسـانی و اسـلامی براسـاس توصیف‌هـای بهشـتی» انجـام دادنـد بـه بررسـی مصادیقـی از دوران سـاسـانی و دوره بعـد از آن کـه مصـادف بـا ورود اسـلام اسـت پرداختنـد و الگـوی کلـی بـاغ سـازی در ایـن مقاطـع و تغییـرات صـور ت گرفتـه در آن را مـورد واکاوی قـرار دادنـد. در ایـن تحقیـق، بـا اسـتناد بـه آمـوزه هـای اوسـتا و قـرآن و سـایر منابـع دینـی، بـا روش تحقیـق تفسـیری تاریخـی شـاخصه هـای مـورد اشـاره در توصیـف باغهـای بهشـتی تبییـن می‌شـود؛ سـپس بـا روش تطبیقـی بـه بازبینـی مبانـی نظـری باغسـازی ایرانـی در دوران سـاسـانی و اسـلامی پرداختـه مـی شـود تـا امـکان انطبـاق مؤلفـه هـا و عناصـر بـاغ ایرانـی بـا مبانـی نظـری فرهنـگ دینـی (زرتشـتی و اسـلامی) فراهـم شـود. بررسـی هـا نشـان می‌دهـد صفـات و مفاهیـم نمادیـن مرتبـط بـا بـا غسـازی، مبنایـی فرهنگـی و دینـی دارد و ویژگی‌هـای خـود را از صفـات بهشـت آرمانـی مذهـب و آییـن حاکـم بـر جوامـع می‌گیـرد و همیـن تفـاوت هاسـت کـه بـه سـاختارها و الگوهـای کالبـدی متفـاوت در هـر برهـه از زمـان مـی انجامـد. تمـدن ایـران در دورهٔ رواج و گسـترش آیین‌هـای میترایـی، مزدیسـنا و زرتشـتی بـا تفسـیر ویـژه از طبیعـت بـه تقدیـس آن مـی پرداخـت؛ امـا بـا ورود دیـن اسـلام، احتـرام بـه طبیعـت جـای تقدیـس آن را گرفـت و بـه تبـع آن، تغییـرات کالبـدی چشـمگیری از منظـر بـرون گرایـی درون گرایـی، محوربنـدی، موقعیـت قرارگیـری، تعـداد طبقـات کوشـک و... در بـاغ هـای ایرانـی بـه وجـود آمـد. بررسـی هـا حاکـی از آن اسـت کـه کوشـک هـای سـاسـانی نسـبت بـه اسـلامی، بعـد درونگرایـی قویتـری نسـبت بـه طبیعـت پیرامونـی داشـته انـد؛ بـا ایـن حـال، مرزبنـدی و تعریـف حریمـی مشـخص بـرای بـاغ، بـا آغـاز دورهٔ اسـلامی معنـی و مفهـوم مـی یابـد. بـا گـذر از دوران سـاسـانی بـه اسـلامی، محوربنـدی و تقسـیمات کلـی پلان بـاغ هـا از تقسـیمات دوتایـی بـه الگـوی چهارباغ متحـول و بـر تعـداد طبقـات کوشـک هـا نیـز افـزوده شـد (حمـزه نـژاد و همـکاران؛ ۱۳۹۳، ص ۵۷).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

در سال ۱۳۸۸، زمانی و همکارانش در پژوهشی تحت عنوان «بازشناسی و تحلیل جایگاه عناصر موجود در باغ ایرانی با تاکید بر اصول دینی- آیینی»، به بررسی مبانی و مفاهیم دینی و آیینی متبلور در میراث کنونی باغهای ایران پرداختند. که به نوبه خود تأثیراتی از دوران پیش از اسلام و پس از آن و همچنین از تفکرات آیینی متفاوت در آن جلوه‌گر شده است؛ پژوهش حاضر به دنبال آن است که با ارائه مستندات و مصادیق مختلف دینی آیینی و عرفانی، بدین مفهوم تأکید نماید که کانسپت اصلی و میراث موجود باغهای ایرانی، ریشه در تفکرات دینی و آیینی مردمان این سرزمین دارد. نتایج حاصل بیانگر آن است که باغ ایرانی نظامی حکیمانه و کمال گراست که عناصر طبیعی آب و گیاه را به نحوی در خود جای داده که نیازهای فیزیکی استفاده کنندگان را برآورده می سازد، و در همان حال نیز به بعد ماوراء الطبیعه و معنوی آن توجه شده است. همین مسئله باعث بقا و تداوم آن در طول زمان و شاخص شدن آن به صورت مجموعه ای واحد شده است. به کمک بازشناخت این ساختار می توان در ساختن محیط زیستی مناسب و هماهنگ با نظم موجو ، بهره برداری لازم را به عمل آورد (زمانی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۵).

لبیب زاده و همکارانش نیز در سال ۱۳۹۰؛ با پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی تأثیر ایده های معنوی در شکل باغ»، به بررسی تمایزات کالبدی بین نخستین باغ های ایرانی (باغ پاسارگاد) و باغ های دوران اسلامی پرداختند. در واقع هدف از این پژوهش آن بود که نشان دهد باغها پیش از آنکه تجلی اقلیم و ادوار تاریخی باشند، جلوه اندیشه ها و باورهای آدمیان بوده و ساختار کالبدی باغها با تغییر اندیشه دینی (آرمان‌ها و باورها) دچار تحولات شگرف شده است. برای دستیابی به هدف فوق، با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسانه (مصداق به مفهوم) تمایزات باغ پاسارگاد با باغهای دوران اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است و تلاش شده است تا با استناد به اندیشه های فکری دو مکتب پیش و پس از اسلام، ریشه این تفاوتها تبیین شود. براساس یافته های این تحقیق مهم‌ترین تمایزات کالبدی: ۱) سازمان‌دهی تقسیمات در پلان باغ؛ ۲) نماد پردازی حرکت آب؛ ۳) شیب‌بندی زمین و مکانیابی کوشک؛ معرفی شده است (لبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳).

سلطان‌زاده نیز در سال ۱۳۸۲؛ با تحقیق بر روی باغ و پارک تحت عنوان «از باغ تا پارک»، به بررسی علل پیدایش و مفهوم باغسازی در ایران باستان و همچنین علل گرایش باغسازی به پارک‌سازی در دوران قاجار و پهلوی می پردازد. از نظر سلطان‌زاده باغ های ایرانی که بر اساس برخی از اسناد موجود، پیشینه آن ها حداقل به دوران هخامنشی می رسد، همواره و در طول تاریخ ایران ویژگی ها و اصولی عام و اساسی داشتند که آن ها را از سایر باغ ها در سرزمین های دیگر متمایز می ساختند. برخی از این اصول مانند طرح چهارباغ و کاربرد شبکه های شطرنجی همواره در طراحی انواع باغ های ایرانی استفاده می شده است. از دوره قاجار به بعد به تدریج تحت تاثیر فرهنگ و معماری اروپا، چگونگی طراحی باغ های ایرانی دگرگون شد و فضاهایی پدید آمد که کاربرد خطوط و سطح های منحنی شکل و غیرمتقارن از ویژگی‌های اساسی آن به شمار می آمد. این گونه فضاهای سبز را به تقلید از اروپاییان پارک می نامیدند. نمونه هایی از آن ها که در آغاز توسط اعیان و رجال مورد توجه قرار گرفتند و سپس در طراحی فضاهای سبز عمومی نیز مورد توجه قرار گرفتند، درنقشه تهران در دوره قاجار قابل مشاهده است. این پارک های نخستین غالبا از لحاظ مالکیت و نحوه استفاده از آنها همانند باغها بودند. از آغاز دوره پهلوی و هم زمان با دگرگونی هایی اساسی و ساختاری در بافت و کاربری های شهری از یک سو و تغییراتی که در ساختار واحدهای مسکونی روی داد و منجر به کوچک شدن حیاط و فضای سبز آنها شد، موجب گردید که نوع جدیدی از فضاهای سبز شهری که برخلاف پارک‌های نخستین که مالکیت شخصی داشتند و غالبا برای استفاده عموم نبودند؛ برای استفاده مردم شهر و به صورت عمومی طراحی و ساخته شوند که از لحاظ کالبدی نیز فاقد فضاهای ساخته شده مانند باغ ها بودند. بطور کلی، روند طراحی، ساخت و شکل‌گیری باغهای ایرانی حاکی از وجود سنتها و روش هایی کمابیش پایدار و دائمی است که تحت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

تأثیـر برخـی از خصوصیـات مهـم فرهنـگ و تمـدن ایـران، و از سـوی دیگـر تحـت تأثیـر شـرایط محیطـی و سـایر عوامـل نظیـر کارکـرد اصلـی فضـا قـرار گرفتـه اسـت (سـلطان‌زاده؛ ۱۳۸۲، ص ۹۱).

۳. مبانی نظری

در ذهـن ایرانـی، بـاغ تصویـری فراگیـر دارد. ایـن ذهنیت نـه تنهـا گاهـی معـرف هویـت ایرانـی اسـت بلکـه گاه از آن هویـت میگیـرد بطوریکـه فرهنـگ ایرانـی و تصویـر و تصـور بـاغ در ذهـن ایرانـی در طـول تاریـخ همـواره بـر هـم تأثیـر گـذار بـوده و از هـم تأثیـر گرفتـه اسـت. در واقـع، بـاغ ایرانـی در مفهـوم وسـیع خـود، فـرآورده هنـر زیسـتن اسـت و در ایجـاد رابطـه میـان انسـان و طبیعـت و در نظـام هسـتی ره آورد تمـدن پرمایـه ایـران زمیـن اسـت. نظـام بـاغ ایرانـی، تنـوع و اندازه‌هـای گوناگـون آن از کوچکتریـن حیـاط خانـه تـا بزرگتریـن چهـار بـاغ شـهری و بـاغ شـهر را در بـر مـی گیـرد (گـودرزی، مختابـاد امرئـی، ۱۳۹۲، ص ۵۶). بـاغ ایرانـی بـا تاریـخ درخشـان خـود بـه عنـوان یکـی از بهتریـن الگوهـای منظرسـازی، محصـول تعامـل سـازنده انسـان ایرانـی در مواجهـه بـا طبیعـت اسـت (حیـدر نتـاج، امیـر منصـوری، ۱۳۸۸، ص ۱۷). بـاغ ایرانـی بـه مثابـهٔ تمثالـی از بهشـت، همـواره در میـان باورهـای ایرانیـان جایـگاه مقدسـی داشـته اسـت. برخـلاف اندیشـه هـای رایـج مبنـی بـر هویـت و سـاختار یکسـان بـاغ ایرانـی در طـول تاریـخ، شـاخصه هـای اصلـی بـاغ سـازی در ادوار گوناگون بسـیار متغیّـر بـوده اسـت. (حمـزه نـژاد و همـکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۷). نخسـتین بـاغ کـه گفتـه میشـود اسـاس الگـوی چهاربـاغ را بنیـان نهـاده؛ بـاغ شـاهی پاسـارگاد اسـت کـه بخشـی از نقشـه آن بـر اسـاس حفـاری هـا و بخشـی بـر اسـاس حـدس و گمـان اسـت و بـه صـورت چهـار بخشـی ارائـه شـده اسـت. از همینـرو، از بیـن عوامـل مختلـف شـکل‌گیری بـاغ ایرانـی و هندسـه خـاص آن، فرضیـه الگـوی چهاربـاغ بـه عنـوان یکـی از مشـهورترین فرضیـه هـا شـناخته شـده اسـت (حیدرنتـاج، منصـوری، ۱۳۸۸، ص ۱۷). ایـن تعریـف بـه عنـوان ریشـه هندسـی بـاغ ایرانـی مطـر شـده اسـت.

بـاغ پاسـارگاد نمـاد باغ‌سـازی دوره هخا منشـی

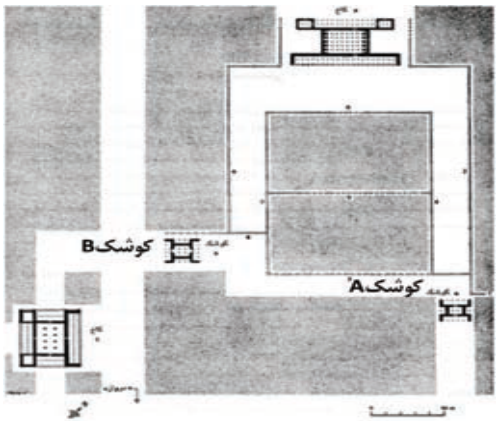
بـا توجـه بـه گفتـه هـای مورخیـن، کاخ هـای کـورش در میـان بـاغ بـزرگ و انبـوه از درختـان گوناگـون و دشـتی چمـن زار و خـرم واقـع بـوده کـه توسـط آبگذرهـای متعـددی کـه از رود پلـوار می‌آوردنـد سـیراب مـی شـده اسـت. ایـن محوطـه سرسـبز را بوسـتان پاسـارگاد (بـاغ سـلطنتی) نامیده‌انـد. طـرح بناهـای پاسـارگاد تـک سـاختمان‌هایی را نشـان مـی دهـد کـه از چهـار جانـب بـاز و گشـاده بوده‌انـد و بنابرایـن محوطـه دیدشـان مـی بایسـت چشـمگیر و خـرم باشـد. ازهمیـن روی، میـان طـرح کاخ‌هـا و نقشـه آبنماهـای بوسـتان و خیابان‌هـای آن وابسـتگی دقیقـی مشـخص شـده اسـت (لبیـب‌زاده و همـکاران، ۱۳۹۰، ص ۴). بـا توجـه بـه پژوهش‌هـای صـورت گرفتـه توسـط لبیـب‌زاده و همکارانـش، شـواهدی وجـود دارد کـه نشـان مـی دهـد مبانـی کشـف نشـده فراوانـی در پـس طراحـی ایـن بـاغ وجـود دارد. مهمتریـن ایـن شـواهد را مـی تـوان بـه صـورت زیـر بیـان نمـود:

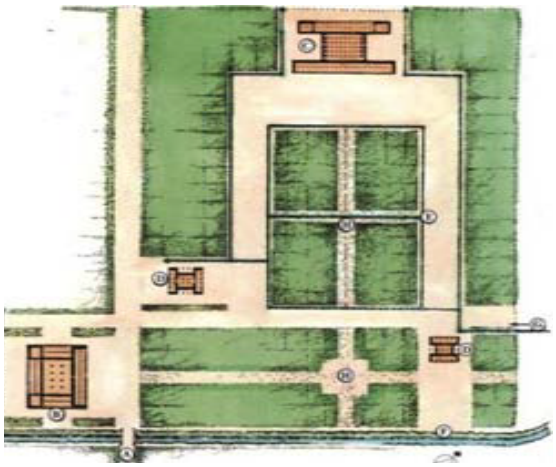
- سـازماندهی تقسـیمات در پـلان بـاغ: برخـلاف نظریـه هـای رایـج کـه بـاغ پاسـارگاد را بـه عنـوان اولیـن بـاغ چهـار بـاغ ایرانـی معرفـی میکنـد، براسـاس شـواهد برجـای مانـده، ایـن بـاغ از تقسـیمات دو قسـمتی در پـلان برخوردار بـوده و از باغـی دو بخشـی روبـروی کاخ اصلـی تشـکیل شـده اسـت. براسـاس شـواهد موجـود بـه نظـر مـی رسـد بـاغ پاسـارگاد تقسـیماتی دوبخشـی داشـته اسـت کـه توسـط یـک آبراهـه در میانـه بـاغ ایجـاد مـی شـده اسـت (لبیـب زاده و همـکاران بـه نقـل از سـیکول؛ ۱۳۹۰، ص ۵). در بیـن پژوهشـگران معاصـر، تحقیقـات «مهـوش عالمـی» و بازخوانـی «ارشـادالزراعه» توسـط ایشـان نظریـه دیگـری را در زمینـه الگـوی چهاربـاغ مطـرح مـی کنـد کـه بـر تـک محـوری بـودن بـاغ و طـرح چهاربـاغ تأکیـد دارد و نـه دو محـوری بـودن آن. ایـن محقـق ضمـن تأکیـد بـر مفاهیـم دوتایـی در اعتقـادات زرتشـتیان مبنـی بـر دو قسـمتی بـودن جهـان کـه بـا بـاغ پاسـارگاد هماهنگـی بیشـتری دارد ایـن نظریـه را مطـرح مـی کنـد و مـی گویـد: وقتـی ارشـادالزراعه را خوانـدم، بـه فکـر افتـادم شـکل آنچـه را توصیـف شـده اسـت ترسـیم نمایـم. بعـد از

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ترسیم شکل آن متوجه برخی تفاوت ها در تصور از چهارباغ گردیدم. به نظرم می آمد اصلاً لزومی ندارد که در چهارباغ حتما دو محور وجود داشته باشد (همان).

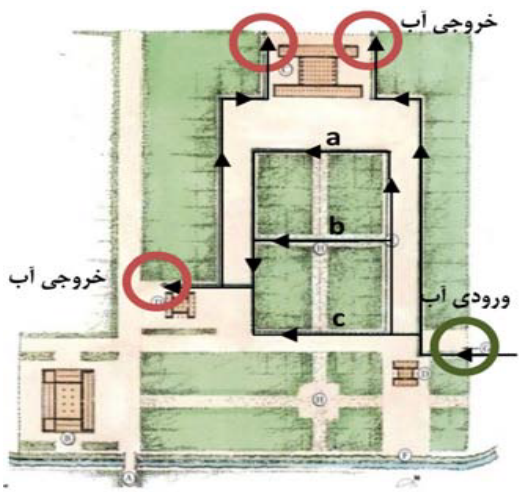
شکل ۱. تقسیمات دوبخشی در پلان باغ پاسارگاد؛ مأخذ: لبیب زاده و همکاران؛ ۱۳۹۰.

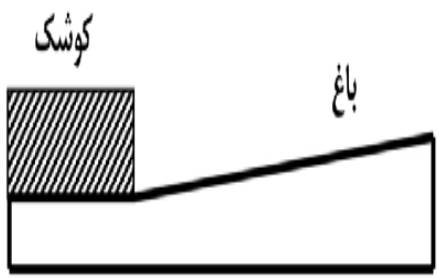




- **نمادپردازی حرکت آب:** بنا به نظر «استروناخ » منبع اصلی آب پاسارگاد در خارج از مجموعه قرار داشته و آب تزیینی در جویهای کم عرض به ابعاد حدود ۲۵ سانتیمتر در جریان بوده و حوض‌هایی به ابعاد ۸۰×۸۰×۸۰؛ سانتیمتر در مسیر آنها وجود داشته است که ممکن است برای رسوب و گل و لای جوی های کم عمق طراحی شده باشد. آشکارا فقدان حوض مرکزی و حتی حوض جلوی کوشک مشهود است. «مسعودی»، احتمال استفاده از این جوی ها را برای آبیاری کاملاً مردود دانسته است. اما براساس مدارک معتبر می توان به مسئله جدا بودن آب تزیینی از آب مورد نیاز برای آبیاری مجموعه اذعان داشت. در باغ پاسارگاد آب تزیینی (یا نمادین) و آب کاربردی مسیرهای متفاوتی دارند. باغ، یک ورودی آب و سه خروجی دارد که خروجیها از کنار کاخ‌ها می گذرد و به شهر می رسد. تقسیم بندی حرکت نهرها بسیار حساب شده تنظیم شده و چه بسا شیب بندی طوری تنظیم شده که بتواند چنین مسیری از آب ایجاد شود (همان).

شکل ۲. تنظیم مسیر حرکت آب و ورد و خروج آن (شکل سمت راست)؛ محل قرارگیری کوشک در پایین ترین محل نسبت به باغ (شکل سمت چپ)؛ مأخذ: لبیب زاده و همکاران؛ ۱۳۹۰.





- **شیب‌بندی زمین و مکان‌یابی کاخ:** برای تشخیص شیب بندی زمین و موقعیت

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

قرارگیـری کوشـک‌ها بهتریـن روش بررسـی مسیر حرکـت آب است. بـا توجـه بـه جهـت حرکـت آب، کاخ در مرتفـع تریـن جـای زمیـن قـرار نگرفتـه، بلکـه زمیـن دارای دو جهـت شـیب اسـت و کاخ هـا در پاییـن تریـن جـای شـیب‌بندی زمیـن قرارگرفتـه انـد. گویـی بـاغ نمایشـی از عالـم غیـب و ملکـوت بـوده و کاخ شـاه در پاییـن تریـن جـای آن واسـطه خـدا و مـردم اسـت و آب از کنـار قصـر او بـه مـردم مـی‌رسـد(لبیـب‌زاده‌وهمـکاران، ۱۳۹۰،ص ۷).

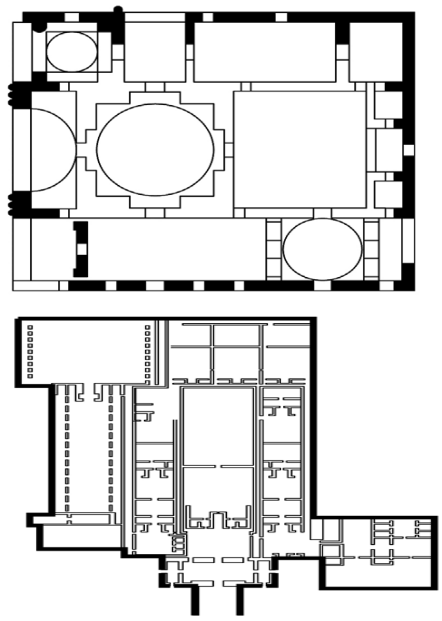
بـاغ ایرانـی بـه عنـوان یـک پدیـده تمدنـی کـه در طـول تاریـخ همچنـان بـه حیـات خـود ادامـه داده اسـت، خواسـتگاهی ارزشـمند بـه نـام پردیـس در دوران هخامنشـی دارد. شـناخت ایـن خاسـتگاه و واکاوی جایـگاه و ارزش آن در نظـام فکـری دوران باسـتان و حکومـت هخامنشـی هـم در بازشناسـی صحیـح از بـاغ ایرانـی مـا را یـاری میکنـد و هـم در بازگشـت بـه ارزش هـای برتـری کـه رابطـه اصیـل انسـان ایرانـی را بـا طبیعـت بیـان میـدارد (سـیروس، ۱۳۹۳، ص ۹). از طرفـی، شـاه بـزرگ کـه خـود را پاسـبان بـاغ میدانـد و حتـی شـاید شـخصاً دسـت در کشـاورزی دارد، طـراح اصلـی کهـن الگـوی بـاغ ایرانـی اسـت. گزنفـون دربـاره اصـول طراحـی بـاغ توضیحـات دقیقـی مـی دهـد و آن را منسـوب بـه کـوروش میدانـد. اصولـی کـه از زبـان لوسـاندر طـرح مـی شـود و شـامل هندسـه، نظـم، گیاهشناسـی و اسـلوب گل کاری مـی شـود؛ اصولـی کـه بـه راحتـی آن را درمـورد بـاغ هـای بعـدی ایرانـی هـم مـی تـوان تعمیـم داد. بطـور کلـی، از نظـر سـیروس، پردیـس هخامنشـی تنهـا یـک بـاغ نیسـت بلکـه مؤسسـه یـا نهـادی اسـت همچـون بسـیاری نهادهـای مـدرن در دوران حاضـر کـه در محـور اقتصـاد، سیاسـت، مذهـب، فرهنـگ و دانـش هخامنشـی قـرار میگیـرد و نـه تنهـا سـمبلی از جمالـی و مدیریـت را مـی نمایانـد، بلکـه عرفـان عمیقـی رابطـه انسـان ایرانـی و طبیعـت را در عالـی تریـن جلـوه اش بـه نمایشـی در مـی آورد (سـیروس، ۱۳۹۳، ص ۶۷).

الگـوی کلـی و ویژگی‌هـای هندسـی- فضایـی باغ‌هـای دوران ساسـانی

بررسـی مصادیـق مختلـف باغسـازی دوران ساسـانی از منظـر درون گرایـی و بـرو نگرایـی کوشـک نسـبت بـه بـاغ و بـاغ نسـبت بـه اطـراف مجموعـه اسـت. از مـوارد مهـم و ویژگـی هـای کالبـدی، هندسـی و فضایـی باغ‌هـای ساسـانی مـی تـوان بـه مـوارد زیـر اشـاره نمـود:

الـف) اغلـب کاخ‌هـا و معابـد دوران ساسـانی بـه واسـطهٔ دیوارهایـی قطـور و عظیـم کـه در بیشـتر مـوارد، همچـون دیـوار دژ و فاقـد بازشـو و گشـودگی هسـتند، درون‌گـرا بـوده و از طبیعـت پیرامـون خـود جـدا شـده انـد. در ایـن سـاختمان‌ها، اتـاق هـا عمدتـاً گسسـته از محوطـه هسـتند و بازشـوهای آن‌هـا چـه از داخـل و چـه از خـارج، از قاعـده هـای زیبایـی گـرا یـا طبیعـت گرایانـهٔ منظـری تبعیـت نمـی کننـد. درون گرایـی و گسسـت میـان سـاختمان کاخ – معبـد و بـاغ در بسـیاری از آثـار این دوران، ازجملـه عمـارت خسـرو، آتشـکدهٔ فیروزآبـاد و تخـت سـلیمان، کامـلاً مشـهود اسـت.

شکل ۳. کاخ سروستان، درون‌گرا (شکل سمت راست)؛ کاخ عمارت خسرو، درونگرا (شکل سمت چپ)؛ مأخذ: حمزه‌نژاد و همکاران؛ ۱۳۹۳، ص ۵۹.



[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

در ایـن بناهـا دیـواری صلـب، دور تـا دور اتاق‌هـای کاخ معبـد را فـرا گرفتـه و مجمـوع هـای کامـلاً درون گـرا بـه وجـود آورده اسـت. تنهـا ارتبـاط ایـن کوشـک هـا بـا محیـط اطـراف از طریـق ایوانـی اسـت کـه در بیشـتر مواقـع مشـرف بـر سـکویی وسـیع اسـت. بـا وجـود ایـن، در برخـی از آثـار از قبیـل بـاغ کاخ سروسـتان، شـاهد گشـودگی‌های متعـددی در بدنـهٔ کوشـک هسـتیم (حمزه‌نـژاد و همـکاران؛ ۱۳۹۳، ص ۵۹).

ب) در بیشـتر کاخ‌هـای دوران ساسـانی، ایـوان رو بـه بـاغ تنهـا گشـودگی و مسـیر دسترسـی بـه سـاختمان اسـت. ایـوان از نظـر کارکـردی بـه دو گـروه تقسـیم بنـدی می‌شـود: نخسـت ایوان‌هایـی کـه بـه عنـوان یـک فضـای اصلـی از آنهـا اسـتفاده می‌شـود؛ دوم ایـوان هایـی کـه نقـش یـک فضـای رابطـه را بـر عهـده دارنـد. ایـن ایوان‌هـا نیـز ممکـن اسـت بیـن حیـاط و یـک فضـای محصـور یـا میـان یـک فضـای معمـاری و یـک فضـای شـهری رابـط باشـند. بـا بررسـی مصادیـق ساسـانی مـی تـوان اظهـار داشـت کـه ایـوان و فضـای نیمـه بـاز بـا عـرض نسـبتاً کـم کـه در کنـار فضاهـای اصلـی شـکل گرفتـه اسـت، بـرای تنظیـم پیونـد بیـن انسـان بـا طبیعـت اصالـت نـدارد و صرفاً بـه عنـوان یـک مسـیر عبـوری عمـل مـی کنـد برخـی از ایـن کاخ هـا نظیـر عمـارت خسـرو، فاقـد ایـوان رو بـه حیـاط هسـتند. (همـان، ص ۶۰).

ج) درونگرایـی و برونگرایـی بـاغ نسـبت بـه زمین‌هـای اطـراف، از دیگـر مـوارد ایجـاد تمایـز میـان الگـوی باغسـازی ساسـانی و اسـلامی اسـت. در دوران ساسـانی، بـا وجـود ارتبـاط میـان کاخ/ معبـد و بـاغ کـه ارتباطـی گسسـته اسـت، عـدم وجـود حایـل مـرزی مشـخص در اطـراف مجموعـه، باعـث امتـزاج حریم‌هـا شـده و رابطـه ای پیوسـته میـان بـاغ و زمین‌هـای اطـراف بـه وجـود آورده اسـت (همـان؛ ص: ۶۱).

جدول ۱. درون‌گرایی و برون‌گرایی در کوشک در باغ‌های دوره ساسانی؛ مأخذ: حمزه‌نژاد و همکاران؛ ۱۳۹۳، ص ۶۷

درون‌گرایی و برون‌گرایی کوشک نسبت به باغ و باغ نسبت به طبیعت پیرامون			
دورهٔ تاریخی	ویژگی کالبدی	مبانی نظری	مستندات دینی
ساسانی	درون‌گرایی کوشک نسبت به طبیعت اطراف (خلق فضایی درون‌گرا، مناسب برای تمرکز و سیر در انفس) به‌واسطهٔ: ـ دیوارهای صلب پیرامونی ـ محدودیت در تعداد و ابعاد بازشوها ـ گنبدخانه و فضای اصلی تنگ و تاریک با بازشوهای کم‌عرض ـ تعریف ایوان به‌عنوان فضای ارتباطی صرف	اندیشهٔ نیک اساس تعالی به جایگاهی والاتر و بنیان رستگاری است.	هر انسانی که از خرد بهرهٔ بیشتری دارد، بهره‌اش از بهشت بیشتر است (مینوی خرد، ۵۵ـ ۵۷).
	برون‌گرایی باغ نسبت به زمین‌های اطراف (عدم دستبرد و تحریف در طبیعت) به‌واسطهٔ: ـ عدم تعریف حریم و مرزی مشخص برای باغ	در آیین زرتشت، طبیعت مقدس است و در جایگاهی والاتر از انسان قرار دارد.	خواستار ستایش این آب‌ها و زمین‌ها و گیاهانم. خواستار ستایش این جاها و روستاها و چراگاه‌ها و خانمان‌ها. خواستار ستایش اورامزدا، دارندهٔ این روستاهایم (دوستخواه ۱۳۷۱، ۱۰۵ـ۱۰۷).
	تعریف سلسله‌مراتب طولی چهارگانه در راستای محور اصلی و زوج مکمل‌های دوگانهٔ فضایی	اعتقاد به مراحل چهارگانهٔ بهشتی و دوگانه‌پرستی در آیین زرتشت	بهشت نخست از ستاره پایه تا ماه پایه، جایگاه اندیشهٔ نیک، بهشت دوم از ماه پایه تا خورشید پایه، جایگاه گفتار نیک و بهشت سوم از خورشید پایه تا گرزمان، آنجا که آفریدگار اورمزد برتشیند، جایگاه کردار نیک است (همان، ۲۲).

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

به دلیل فقدان منابع و مستندات کافی از باغ سازی دوران ساسانی، تاکنون پژوهش‌های چشمگیری در بررسی الگوها و مبانی نظری منظر این دوره صورت نگرفته است. بدیعیت موضوع، ضرورت انجام پژوهش‌هایی دقیق در ابعادی گسترده را به اثبات می رساند.

باغ حکومتی عضدالدوله دیلمی شیراز (آلبویه، قرن چهارم هجری)

امیر عضدالدوله دیلمی شاهی از دیار دیلمان که بین سال‌های ۳۳۸-۳۷۲ هـ ق بر ایران حکومت می‌کرده است؛ در شیراز کاخی ساخته بود و در پیرامون آن باغ بزرگ پر از گل و درخت که جوی آبی در آن روان بود بنا نمود. این باغ در روزگار خود در نوع خود بی نظیر بود. در تاریخ نامه ها ذکر نام کاخ عضدالدوله دیلمی همراه با شرح باغ وسیعی است که آن را محصور کرده بود. این اولین اشاره به ساخت باغ در بافت شهر توسط حاکم وقت بوده است (منصوری، عرب سلغار؛ ۱۳۹۴، ص ۹). شمس الدین ابی عبدالله سوریانی، مورخ سدهٔ چهارم هجری که این باغ را دیده، بوستان آن را پرگل و ریاحین و آب های جاری توصیف کرده است (منصوری، عرب سلغار به نقل از آریان‌پور؛ ۱۳۹۴، ص ۹). مقدسی دربارهٔ این قصر می نویسد: "عضدالدوله در این کاخ جوی های آب روان ساخته و بر فراز آن گنبدهایی بنا کرده و در اطراف آن بوستان هایی از درختان تعبیه ساخته و در آن حوض هایی حفر نموده و تمام وسایل و اسباب آسایش را فراهم کرده است (منصوری، عرب سلغار به نقل از افسر؛ ۱۳۹۴، ص ۹).

باغ حکومتی اتابک (قرن ششم هجری)

مرحلهٔ دوم تحول تاریخی شهر بین سال های ۵۴۳ تا ۶۸۶ ه ق، در دورهٔ اتابکان فارس بوده است. محور حکومتی اتابکان به موازات محور آل بویه و قنات عضدی شکل گرفت و برای تثبیت حکومت خود، اقدام به ایجاد یک مرکز حکومت و باغ منضم به آن پرداختند. یک سوی این محور مسجد جامع عتیق و سوی دیگر مسجد جامع نو است. باغ حکومتی اتابک در سمت جنوب مسجد نو شکل گرفته است. باغ اتابک یکی از باغ‌های مهم این دورهٔ حکومتی بوده و به وسیلهٔ حکام این سلسله احداث شده است. از این باغ بزرگ امروزه به جز باغچه مسجد نو که اهمیت چندانی ندارد، آثاری بر جای نیست، ولی آن محله را مردم شیراز همچنان محلهٔ سر باغ می نامند (منصوری، عرب سلغار به نقل از آریان‌پور؛ ۱۳۹۴، ص ۱۰). هرچند منابع دقیقی موجود نیست که بتوان به صورت مستقیم، شکل‌گیری عناصر طبیعی را در بافت شهری به دورهٔ اتابکان نسبت داد، وجود برخی از نشانه های مسلم همچون باغ اتابکان و سرابستان هایی که وصاف الحضره در زمان شاهزاده خانم گردوجین به صورت دقیق آن ها را توصیف کرده که پیوسته آبی صاف و گوارا از آن می گذرد، مؤید آن است. همچنین طراحی حیاط مسجد نو در تلفیق آب و درخت می تواند نشانگر توجه اتابکان در تبلور عناصر طبیعی در فضای شهری باشد (منصوری، عرب سلغار؛ ۱۳۹۴، ص ۱۰).

باغ در دورهٔ تیموری

در زمان تیمور، باغ‌های زیادی در اطراف سمرقند و شهرهای دیگر احداث شد که با نام باغهای دورهٔ تیموری معرو ف اند. باغ‌های متعدد سمرقند، با جنبههایی مشترک، نشان می دهند نمونه اصلی باغ های ایجاد شده در قرن های بعدند. این باغ ها بسیار زود از میان رفتند؛ اما با خواندن نوشته های شرف الدین یزدی، خاطره نویس عصر تیمور، و به کمک کاوش های جدید باستان شناسی، توانسته اند در بیرون چمنزارهای مخصوص چادر زدن و جشن های بزرگ عمومی، پنج باغ تیموری را شناسایی کنند. چنانکه جواهریان می نویسد، این باغ‌ها عبارت اند از:

1) باغ شمال، که بنا به توصیفات مستند چهار عمارت در چهار گوشه آن ساخته بودند.

2) باغ دلگشا، که به گفته شرف الدین یزدی در آن تنگ راه های مشجر به صورت شبکه ای از استخر مرکزی شروع می شد و باغچه ها را در اشکال چهارضلعی و سه ضلعی و شش ضلعی تشکیل می داد. در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

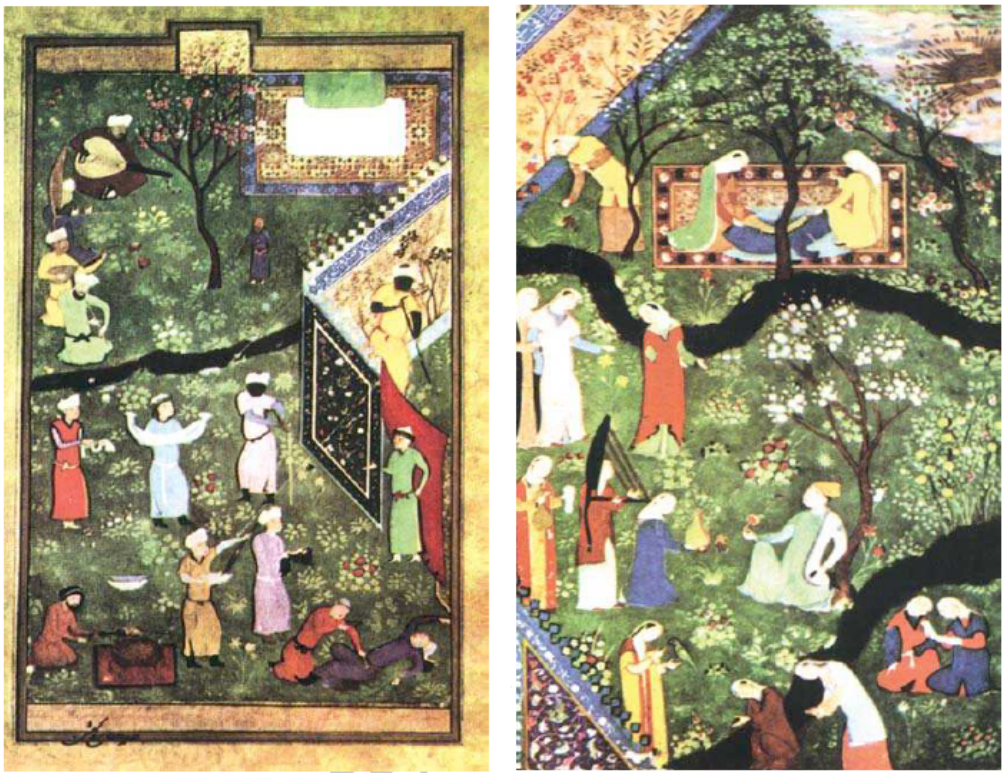
کناره باغچه‌ها درختان میوه کاشته بودند و فرشی از انواع گوناگون گل، وسط هر باغچه را می پوشاند. عمارتی چهار گوش نیز در میانه باغ قرار داشت.

3) باغ نو، با چهار برج در چهار گوشه آن و کوشکی در وسط و استخری در روبه روی آن قرار داشت.

4) باغ دولت آباد، که در آن نهری به منظور ترسیم شش کرت، باغ را سراسر می پیمود و در نقاط تقاطع شش استخر وجود داشت. کوشک بر روی بلندی احداث شده بود و از همه طرف به چشم اندازی سرسبز رو می گشود. این باغ‌ها همگی با دیوارهایی محصور و دارای سردرهای ورودی ظریف و مجللی بوده اند.

5) باغ بهشت، که شامل دوازده باغ (به تعداد برج‌های منطقۀ البروج) می‌شد و، بر روی هم، کمربندی سبز را در غرب سمرقند تشکیل می‌داد (انصاری، صالح به نقل از جواهریان؛ ۱۳۹۱، ص ۶).

طرح تجدید شدۀ باغی در سمرقند که شاید نام آن باغ گل سرخ باشد در تصویر زیر نشان داده شده است. تیمور در اواخر عمر، یعنی در سال ۸۰۷ ق، به معمارانی که از دمشق فراخوانده بود فرمان داد تا در وسط این باغ، که در جنوب باغ شمال واقع شده بود، بنای کاخ عظیمی را آغاز کنند. هر طرف این باغ حدود ۷۵۰ متر بود. در داخل باغ هم حوضه ای آب و فواره هایی به شکل گوناگون احداث شدند (انصاری، صالح به نقل از ویلبر؛ ۱۳۹۱، ص ۷).



شکل ۴. باغ گل سرخ در دوره تیموریان؛ مأخذ: انصاری، صالح به نقل از ویلبر، ۱۳۹۱، ص ۷.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

به طور کلی، صفات مشخص باغ‌های تیموری به شرح زیر است:

1) وسعت زیاد باغ‌های تیموری و طراحی فضای باغ با تناسبات زیاد.

2) محصور بودن باغ با دیوارهای بلند و سردرهای مزین به کاشی کاری‌های آبی و طلایی.

3) پیروی از سنت چهار باغ ایرانی و تقسیم فضا به چهار قسمت.

4) استفاده از یک نهر اصلی در باغ.

5) وجود یک کوشک یا قصر در مرکز باغ

6) انتخاب یک قطعه زمین که طبیعتاً سراشیب است یا ایجاد تپه ای مصنوعی به منظور اطمینان از اینکه آب به طور رضایت بخشی جریان پیدا می کند.

7) استفاده از خیابان‌ها و باغچه های مستطیل شکل در باغ.

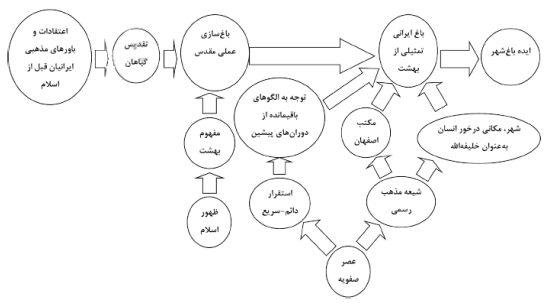
باغ در دورهٔ صفوی (قرن یازدهم هجری)

مؤسس سلطنت این خاندان اسماعیل صفوی است. صفویان با شعار تشیع مناطق شیعه نشین ایران را متحد کردند و توانستند دولت ملی ایران را به وجود بیاورند (انصاری، صالح به نقل از آذرنگ و دیگران؛ ۱۳۹۱، ص ۸). ساختار شهر در دورهٔ صفوی بر محور جدیدی که به موازات محورهای آل بویه و اتابکان فارس قرار داشت شکل گرفت. این محور از مدرسهٔ خان در شرق آغاز شده و به میدان شاه صفوی در غرب منتهی می شد. میدان شاه، مجموعهای متشکل از قصر، دارالشفاء و مسجد صفوی بود که در پشت قصر صفوی، باغ حکومتی منضم به آن قرار داشته است. ضلع شمالی باغ حکومتی مجاور معبری بود که در خارج از شهر به باغ شاه مرتبط می شد و بزرگان شهر در این زمان محور دیگری به صورت، در دو سوی آن باغ هایی احداث کرده بودند (منصوری، عرب سلغار به نقل از فلامکی؛ ۱۳۹۴، ص ۱۰). این دو محور چهارباغ احداث شد که از دروازهٔ اصفهان تا تنگ الله اکبر امتداد می یافت. معرو فترین و کامل‌ترین مجموعه بناهای صفوی، که در دورهٔ شاه عباس در اصفهان پس از سال ۱۵۹۸ م/ ۱۰۰۷ ق ساخته شد، نمایانگر علاقه ای جدید در طراحی است. اولین پروژهٔ بزرگ چهارباغ بود، یک خیابان شاهانه که اتصال میان اسکان قدیمی‌تر اطراف مسجد جامع و رودخانه را میسر می‌ساخت. چهار باغ نه به علت نقشهٔ مربع آن، بلکه به این علت که در میان زمینی با چهار شکوفه زار امتداد یافته، چهار باغ نامیده می شد. چهارباغ دارای کانال آبی بود که به سمت پایین مرکز آن با فواره ها و آبشارهای کوچک و باغچه ها امتداد می یافت. در هر سمت آن ردیفی از درختان چنار و عمارت‌های کلاه فرنگی (غرفه ها) قرار داشت (انصاری، صالح؛ ۱۳۹۱، ص ۸). عناصر اصلی سازندهٔ باغ ایرانی به عنوان اصلی‌ترین نمادهای عینی به طور مستقیم و غیرمستقیم تضمین کنندهٔ عملکرد باغ به عنوان طبیعتی از پیش اندیشیده هستند. علاوه بر این که وجود نظام‌های عملکردی و معنایی و اصول خاص نظام دهندهٔ مؤثّر بر ساختار کالبدی و فضایی این عناصر، که تحت تأثیر باورهای اعتقادی و فرهنگی سازندگان بود، بخش عمده ای از هویتّ ویژهٔ کالبدی باغ ایرانی را در اعصار مختلف تعریف نموده است (حقیقت‌بین و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶). چنین به نظر می رسد که باغ سازی دورهٔ صفوی نه تنها از این امر مستثنا نبود، بلکه به واسطهٔ اصولی متأثّر از مذهب و حیات عقلی شیعی هویّتی ویژه یافت. این مهم در کنار مفهوم ذهنی باغ تمثیلی از بهشت اخروی، مهم ترین عاملی بود که در تعریف هویّت ویژه برای باغ در دورهٔ صفویّه مؤثر افتاد. معماران مسلمان این دوره تلاش کرده بودند در طرّاحی باغ، تمامی ویژگی های بهشت اخروی قرآن را در باغ ایرانی تجسّم بخشند و آن را به عنوان تمثیلی از بهشت اخروی طرّاحی و اجرا نمایند. در این باره آن ها از عناوینی مرتبط با بهشت در نام گذاری باغ ها استفاده نمودند و حتّی «نام بهشت را بر باغ های مختلف» اطلاق کرده اند (حقیقت بین و همکاران به نقل از ویلبر، ۱۳۹۲، ص ۶).

باغ شهر اصفهان در دورهٔ صفوی بنا بر نوشته های «پیترو دلاواله »سیاح زما ن شاه عباس اول،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

به وسیلهٔ تقاطع عناصر اصلی نظام دهندهٔ شهر (رودخانه و محور چهارباغ، مطابق با مدل باغ ایرانی) در عین پیوستگی به چهار بخش اصلی تقسیم می شد که گروه های مختلف قومی و مذهبی ساکن در اصفهان را در بخش های مجزا جای می‌داد. چنین به نظر می رسد که دولت صفوی برای ایجاد شهر جدید ابتدا مکان (سایت) و ویژگی های شهر قدیم و عوامل بالقوّهٔ سایت، بویژه زاینده رود و باغ‌های باقی مانده از دوران قبل شناسایی کرد. سپس به عنوان بهترین و سریع ترین شیوه و مطابق با ویژگی های زندگی شهری در دورهٔ تیموریان که احداث اقامتگاه ها و باغ های برون شهری بود، بدون ایجاد خرابی و آسیب، با ادغام شهر قدیم سلجوقی در محیط پیرامون و در توافق کامل با طبیعت اطراف، حیاط‌های داخلی و میدان‌ها و باغ‌های متعدّدی ایجاد کرد و علاوه بر تبدیل شهر اصفهان به باغ شهر باعث نفوذ طبیعت به داخل شهر شد. علاوه بر این موارد که بیشتر نتیجهٔ امنیّت و توسعهٔ فرهنگی در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، به احتمال قریب به یقین استفاده از باغ ها و مدل باغ شهر برای توسعهٔ شهر اصفهان، با جهان بینی شیعه و باورهای مذهبی صفویان، که خود را مدافع و مبلغ مذهب تشیع می‌دانستند، ارتباطی مستقیم دارد. در این باره آنها از مدل باغ شهر با هدف تجسّم شهر به صورت تصویری از بهشت جاویدان استفاده کرده اند (حقیقت‌بین و همکاران؛ ۱۳۹۲، ص ۹).



شکل ۵. ارتباط ایدهٔ باغ شهر ایرانی در دورهٔ صفوی با الگوی باغ ایرانی و جایگاه باورهای دینی اسلامی و شیعی؛ مأخذ: حقیقت بین و همکاران؛ ۱۳۹۲، ص ۱۱.

از ویژگی‌های باغ‌های صفوی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱) طرح ریزی باغ‌ها به صورت چهارباغ و قرارگرفتن درخت، کوشک، یا بیشتر اوقات استخر (مستطیل شکل، هشت ضلعی یا نیم دایره در تقاطع چهار باغ.

۲) ارتباط بین دو فضای داخل (ساختمان یا کاخ) و خارج (باغ)، از جمله ایجاد حوض خانه و آب نماهایی همراه با فواره در داخل ساختمان با گلدان‌های گل (انصاری، صالح به نقل از خوانساری و همکاران؛ ۱۳۹۱، ص ۸).

۳) استفاده از درختان به صورت ردیف چهار تا هشت تایی.

۴) برداشتن حصار باغ و کاربرد آن به منزله تفرجگاه عمومی و راه‌های ارتباطی شهر

۵) ایجاد لانه ها و قفس های کوچک برای پرندگان به تأثیر از طرح های چینی

۶) استفاده از آبراهه با کاشی‌های فیروزه ای رنگ.

۷) دیوارهای احاطه کننده مشبک (انصاری، صالح به نقل از نیکویی؛ ۱۳۹۱، ص ۸).

باغ و باغ‌سازی دوره قاجار

آذین بندی و باغ سازی این دوره با تأثیر از محوطه سازی فرانسوی، سطوح وسیع چمن کاری و درختان تزیینی، حوضچه ها و گل کاری باغچه ها صورت گرفته است استفاده خصوصی مالک در این دوره دلیل محصوریت باغ با دیوار های بلند و جرزهای ضخیم می باشد. کاشت پوشش گیاهی انبوه (از جمله اسپست، شبدر، یونجه) و سایه انداز به وفور در امتداد محور اصلی و فرعی باغ خنکی لازم را در تابستان فراهم می کند. شاه‌چراغی محور بندی گل ها را بر حسب عطر و فصل گلدهی بیان می کند که گلدان های گل روی لبه حوض ها، پله ها، ایوان ها، منظر زیبایی را در مجاورت بنا ایجاد می کند (نیلی و همکاران به نقل از جوادی؛ ۱۳۹۲، ص ۱۷۱). باغ به عنوان عامل پیوند محیط مصنوع با

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

محیط طبیعی بر اساس معیار های متعددی دسته بندی می شود. استقرار باغ به باغهای مسطح، شیبدار، باغ در زمین هایی با دریاچه و باغ در داخل یا خارج بافت شهر از طبقه بندی است که ورجاندی براساس خصوصیات کالبدی باغ انجام می دهد. خصوصیات کلی عناصر تشکیل دهنده باغ در چهار محورگیاه، آب، شکل زمین و ابنیه بصورت زیر بیان می گردد:

- عناصر طبیعی: گیاهان به عنوان مهم ترین عنصر و اساسی ترین عامل شکل دهنده و زینت بخش در باغ با هدف ایجاد سایه، برداشت محصول و تزیینی کاشته می شود و آنها را می توان در سه گروه درختان مثمر، درختان بی ثمر (سایه افکن)، بوته ها و گل‌های تزیینی تقسیم کرد. معمولاً درختان مثمر را می توان انگیزه نام گذاری باغ ها به عنوان مثال توتستان، موستان، تاکستان و نخلستان و... دانست که غالباً درون کرت ها به طور جداگانه به شکل چهارتایی و پنج تایی با فاصله های معین کاشت می شود. آب از عناصر زیبای بهشتی از شاخصه تشکیل دهنده باغ ایرانی است، دانشدوست حرکت، رنگ آب، صدای آب، موج آب (شکل آب) را از ویژگی های امید بخش و زندگی ساز باغ ایرانی معرفی می کند. از مشاکله بصری نمایش آب در باغ ایرانی فرم های عمودی (آب نما، فواره و آبشار) و فرم های افقی (نهر، چشمه) است. شکل زمین باغ بر پایه نظم هندسی است که محور از اصلی ترین عنصر شاخص این نظم است، محور یا خط می تواند دید ناظر را به فضا یا مکانی خاص هدایت کند یا سیر کولاسیون حرکت افراد را نیز مشخص گرداند. محور اصلی محور طولی باغ است که باغ را به دو بخش تقسیم می کند همچنین باغ هایی هم وجود دارد که بوسیله دو محور عمود بر هم تفکیک می شوند (نیلی و همکاران؛ ۱۳۹۲، ص ۱۷۲).
- عناصر مصنوع: در باغ ایرانی، تمامی عناصر شکل دهنده به باغ به وسیله دیوار کادره شده است. دیوار و عناصر انسان ساخت به همراه کالبد باغ از عواملی است که باغ را از طبیعت بکر متمایز می کند. مسعودی، کاشت درختان درحاشیه دیوار که تابع هندسه آن است را تاکیدی بر نقش دیوار به عنوان یک چهارچوب می‌داند. عمارت سردر، کوشک و فضای خدماتی از عناصر انسان ساخت باغ ایرانیست که تنوع فضایی باغ را با عملکرد خاص و استقرار در محل مشخص نوید می دهد (همان).

در دوره قاجار تقلید و اقتباس از معماری غرب در چند سطح صورت می گرفت. نخست کاربرد برخی از عناصر در نمای بنا مانند کاربرد سنتوری مثلثی شکل یا انواع سنتوری گرد و هلالی به صورت منفرد یا ترکیبی؛ استفاده از انواع سرستون های غربی مانناسد سرستون های دوریک، ایونیک، کورنتی و توسکان؛ کاربرد قوس های نیم دایره و برخی از انواع ترکیب های غربی در درگاه ها و پنجره ها و استفاده از برخی از ترکیبندیها در طراحی نما مانند استفاده از آجرهای سنگ نما و مانند آن. در طراحی داخلی برخی از ساختمان ها نیز از طرح ها، الگوها و عناصر غربی استفاده می شد. برای نمونه از کاغذ دیواری، طرح ها و نقاشی هایی از افراد، ساختمان ها و مناظر غربی برای تزیین سطوح و فضاهای داخلی بهره می بردند. حتی در معدودی از بناها، از مبلمان خارجی استفاده می کردند. در شماری از بناهای متعلق به اعیان و رجال از طرح های غربی نیز استفاده می شد و به این ترتیب تعدادی از بناها به طور کامل با نقشه، نما و ترکیب حجمی اروپایی یا روسی طراحی و ساخته شدند. نکته قابل توجهی که در عبارات فوق مشاهده می شود، اشاره مؤلف به این پدیده است که تقلید از عمارات فرنگی در ساختمان کوشک بیرونی صورت گرفته و عمارات حرم خانه و اندرونی به سبک؛ بناهای دوره صفویه ساخته شده است. این نکته به دو سبب بوده است: نخست، این که بسیاری از ساختمان های عمومی و ویلایی اروپایی و روسی که مورد توجه معماران یا کارفرمایان ایرانی بودند، طرحی برون گرا داشتند و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

به همین دلیل در ساختمان های سکونت گاهی یا تشریفاتی و گاه اداری اعیان و رجال که آنها نیز در بیشتر موارد در درون باغ ها و فضاهای سبز ساخته می شدند، مورد اقتباس قرار می گرفتند. دومین نکته در درون گرا ساختن عمارت حرم یا اندرونی، از یک سو حفظ محرمیت در انور تمایز آن از سایر فضاهای واقع در پیرامونشن و از سوی دیگر روحیه سنتی حاکم بر فضای زیستی آن بوده است. اما در مواردی نیز ملاحظه شده که عمارت سکونتگاهی بعضی از رجال به صورت برون گرا طراحی و ساخته می شده است. عمارت خوابگاه نمونه ای از این نوع بناها به شمار می آید که درباره آن چنین نوشته شده است: این عمارت مبارکه که به وضع و طرح یکی از عمارات بسیار خوب فرنگستان است، دو سال قبل به توسط جناب جلات ما با امین السطانی وزیر اعظم داخله و مالیه و دربار اعظم در عمارت و حیاط فمسیح الغفضای حرم حانه جلالت که ششر هفت سال قبل صورت و شرح بنای آن در روزنامه شرف مرقوم و مسطورشاد، بنا شده است (ساطان‌زاده به نقل از شرف و شرافت، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵). ساختمان صاحبقرانیه نیز از عمارت هایی بود که در طراحی و ساخت آن از بناهای غربی الهام گرفته بودند و در روزنامه شرف درباره آن مطالبی نوشته شده و از جمله به موضوع طرح آن چنین اشاره شده «به وضع عمارات مرغوبی به دولی اروپا». طرح و نقشه ایسنا ساختمان به صورت خطی است و راستای آن در امتداد شرقی – غربی می باشد، ساختمان دو نمای اصلی و دو منظر وسیع دارد. یکی در جبهه جنوبی و رو به شهر و دیگری در جبهه شمالی و رو به کوهستان داشته است. درگذشته چشم انداز بسیار گسترده و وسیعی در جلویی. دو جبهه اصلی ساختمان وجود داشت که امروز با احداث برخی ساختمان ها از گستردگی آن کاسته شده است (سلطان‌زاده؛ ۱۳۸۲، ص ۱۰۵).

باغ ملی ایران، تجلی مفهوم باغ و پارک در دوره پهلوی

از اواسط دوره قاجار و به دنبال افزایش مراودات ایران با غرب، شاهد تأثیر پذیری سبک باغسازی در ایران از سبک های غربی می باشیم. با این حال حضور پارک های شهری به مفهوم امروزی در فضای شهرهای ایران سابقه چندان طولانی نداشته و به ابتدای دوره پهلوی اول باز می گردد. باغ ملی تهران که از آن به عنوان نخستین پارک عمومی شهری در ایران یاد می گردد، اگر چه دارای عمر بسیار کوتاهی در ابتدای قرن حاضر بوده است، ولی اهمیت بسیار زیادی در فضای شهری تهران به عنوان اولین پارک شهری داشته است (حبیب و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۱). گرچه آغاز استفاده از عنوان پارک، به دوره قاجار و به باغ هایی همچون پارک های ظل السلطان، امین الدوله و اتابک باز می‌گردد، ولی تجلی واقعی آن به شکل فضاهای سبز عمومی، تا شکل گیری باغ های ملی در دوره پهلوی اول ظهور یافت. آشنایی ایرانیان با شهرها و شیوه احداث پارک و باغ در اروپا، آغازگر تحولاتی بود که عرصه معماری منظر را در ایران از مسیر گذشته خود منحرف ساخت. در دوره قاجار این تحولات سبب شکل گیری برخی از باغ های رجال سیاسی به تقلید از اصول باغ سازی اروپایی گردید و نخستین باغ ها به سبک اروپایی در تهران بنا شدند. بدین ترتیب باغ سازی غربی در ایران راه پیدا کرد و باغ سازی سنتی را دستخوش تغییر نمود. تأثیر باغ سازی اروپایی در این دوره را می توان در باغ های فرح آباد، صاحبقرانیه، سعدآباد، امین الدوله، عشرت آباد و باغ شاه ملاحظه نمود. استفاده از خطوط منحنی و غیرمتقارن، تپه های مصنوعی، خیابان ها و قطعات مختلف الشکل مستطیل، مستدیر، قوس، لوزی و بیضی؛ دریاچه، جزیره، تپه های طبیعی نما، فواره، آبشار، مجسمه، تزئینات، مبلمان فرنگی و گلخانه از ویژگی های باغ سازی اروپایی بود که در باغ سازی ایران نفوذ کرد. از دیگر تأثیرات نفوذ باغ سازی غربی در این دوره، استفاده از واژه پارک است که به برخی از باغ های خصوصی اطلاق می شد. در این دوره عناوینی چون پارک ظل السلطان، پارک امین الدوله، پارک اتابک در ارتباط با برخی از باغها به کار رفت (حبیب و همکاران ،۱۳۹۲، ص۶۴). باغ ملی تهران نخستین پارک عمومی ساخته شده در تهران است که امروز از میان رفته است. این پارک در شمال خیابان باغشاه واقع گردیده بود.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



شکل ۶. باغ ملی تهران؛ مأخذ: حبیب و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۶

این پارک در محل میدان مشق ساخته شده بود. بنیاد میدانِ مشق که محل انجام تمرینات نظامی بود، ظاهراً در زمان فتحعلی شاه نهاده شده و سپس در دوره ناصرالدین شاه بنای آن تجدید گردیده بود. در سال ۱۲۷۸ ه.ق میدان مشق به صورت میدانی مربع شکل درآمد و دیوارهای مشتمل بر طاق نماهای آجری گرداگرد آن ایجاد شد و در سال های بعد بنایی به شیوه معماری روسی در شمال آن بنا گردید که مرکز قزاقخانه بود. تجدید ساختمان این میدان به کوشش میرزامحمدخان سپهسالار انجام گرفت (همان). طراحی این پارک تفاوت آشکاری را با باغ سازی ایرانی نشان می دهد. استفاده از خطوط منحنی و دایره شکل، تقارن مرکزی، استفاده از یک عنصر با نام کیسک (کیوسک) در نقطه مرکزی باغ، عدم استفاده از عنصر آب، استفاده از مجسمه، استفاده از نیمکت، عمومی بودن پارک، و غیر درو نگرا بودن آن، استفاده از سردر و چراغ گاز برای روشنایی، از مهم ترین ویژگی های این پارک بودند. شکل گیری پارک های شهری در دوره پهلوی اول، معلول عوامل داخلی و خارجی مختلفی می باشد که بسیاری از آن ها ریشه در تحولات دوره قاجار داشته اند که از جمله آن ها می توان به سفر ایرانیان به غرب، توصیف پارک ها در سفرنامه ها، حضور باغبان های خارجی در ایران، محصلین بازگشته از فرنگ، دگرگونی ساختار شهر و پیروی از شهرسازی غربی و احساس نیاز مردم عادی به وجود فضاهای سبز اشاره نمود.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

پاسارگاد، باغ به شدت پارس خاستگاه و گهواره قوم پارسی و هخامنشیان است. کوروش، پایتخت خود را در مرکز پارسی محلی قرار داد. پاسارگاد (شاید به معنای جایگاه پارسیان) پارسه گرد نامیده می شود. به تدریج، به خصوص بعد از مرگ کوروش مجموعه کاخ های پاسارگاد و مقبره کوروش که در مرکز و قلب این مجموعه جای می گرفت، برای پارسیان، ماهیتی مقدسی پیدا کرد. قدیمی‌ترین و در عین حالی دقیق ترین شواهد موجود از یک باغ ایرانی یا همان پردیسی، مربوط به پاسارگاد است. در دوران ساسانیان نیز تمدن ایران در دورهٔ رواج و گسترش آیین های میترایی، مزدیسنا و زرتشتی با تفسیر ویژه از طبیعت به تقدیس آن می پرداخت؛ اما با ورود دین اسلام، احترام به طبیعت جای تقدیس آن را گرفت و به تبع آن، تغییرات کالبدی چشمگیری از منظر برون گرای ی درون گرایی، محوربندی، موقعیت قرارگیری، تعداد طبقات کوشک و... در باغ های ایرانی به وجود آمد. بررسی ها حاکی از آن است که کوشک های ساسانی نسبت به اسلامی، بعد درو نگرای قویتری نسبت به طبیعت پیرامونی داشته اند؛ با این حال، مرزبندی و تعریف حریمی مشخص برای باغ، با آغاز دورهٔ اسلامی معنی و مفهوم می یابد. با گذر از دوران ساسانی به اسلامی، محوربندی و تقسیمات کلی پلان باغ ها از تقسیمات دوتایی به الگوی چهارباغ متحول و بر تعداد طبقات کوش کها نیز افزوده شد. در قرن چهارم باغ حکومتی عضدالدوله دیلمی و در قرن پنجم هجری باغ حکومتی اتابک، عنصر آغازکننده و هویت بخش محور حکومتی بود. در دورهٔ صفویه شکل گیری دو باغ محور شمالی و غربی شهر نمایش دهندهٔ اصول باغ سازی صفویان برای هویت بخشی به ورودی های شهر بود. در قرن ۱۵ میلادی، تیمور جنگجو گرچه از علم باغ آرایی بی اطلاع بود اما ایجاد باغ های پر شکوه و عظیم را جهت اهداف سیاسی و ابهت بخشیدن به تاج و تخت خود مفید می دانست. بابر گورکانی در کابل و هند آنچنان به زیبایی هر چه بیشتر باغ ها توجه داشت که لطافت و دلربایی باغ هایش شهره عام و خاص شد. روحیه ملی– مذهبی صفویان، با شهامت و جرات مردمی، باغ های این دوره را به عصر طلایی باغ های ایرانی مبدل ساخته است. در این میان وجود فضاهای سبز عمومی از جمله خیابان های مشجر همچون چهارباغ اصفهان قابل ملاحظه می باشند. صفویان گرچه در ابتدا سنت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

باغ های با شکوه را دنبال کردند، اما به مرور باغ ها به محلی برای خوشگذارنی مبدل شدند. سنتی که در نزد شاهان نالایق قاجار نیز دنبال گردید. آنها باغ ها را به خلوت کشیدند تا در دور دست ها محلی برای عیش خویش بیابند. باغ ها این چنین سمبل تفکر امرا و سلاطین می باشند. باغات هر عصری از دوره خود سخن می گویند. آنها نشان دهنده روحیه حاکم بر حکومت ها و آینه زمان خویش هستند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که شکل گیری پارک های شهری در دوره پهلوی اول در ایران معلول عوامل داخلی و خارجی مختلفی بوده است. از سوی دیگر نخستین پارک های شهری در تهران و ایران تحت تأثیر سبک های معماری منظر غربی شکل گرفته اند. در یک جمع‌بندی کلی، باغ ایرانی پدید های فرهنگی، تاریخی، کالبدی در سرزمین ایران است. همچنین در بیشتر متون مربوط به باغ های دوره اسلامی به الگو گرفتن از بهشت در طرح آنها اشاره شده است. در این مکتب، عناصر طبیعی مانند آب وگیاه به عنوان آیه و نشانهی الهی محسوب میشوند و از چنان اهمیتی برخوردارند که بارها در متون اسلامی نام این دو عنصر تکرار شده است.

منابع و ماخذ

۱) انصاری مجتبی، محمودی نژاد هادی (۱۳۸۶) باغ ایرانی تمثیلی از بهشت با تاکید بر ارزشهای باغ ایرانی دوران صفوی، هنرهای زیبا، شماره ۲۹.

۲) انصاری مجتبی، صالح الهام (۱۳۹۱) بررسی تطبیقی نگارگری مکتب دوم تبریز و باغ ایرانی در دوره تیموری و صفوی، نگره، دوره ۷، شماره ۲۲.

۳) جیحانی، حمیدرضا (۱۳۹۲) فرنگی سازی درباغ ایرانی دگرگونی های باغهای تهران دردهه ۱۳۰۰ قمری، فصلنامه منظر، دوره ۵، شماره ۲۳.

۴) حبیب فرح، اعتصام ایرج، قدوسی فر، سیدهادی (۱۳۹۲) تبارشناسی پارک های شهری دوره پهلوی اول، نمونه موردی: باغ ملی تهران، معماری و شهرسازی آرمان شهر، دوره ۵، شماره ۱۱.

۵) حقیقت بین، مهدی و همکاران (۱۳۹۲) بررسی آموزه های مذهب شیعه در باغ شهرهای صفوی، هویت شهر، شماره ۱۴.

۶) حقیقت بین، مهدی؛ و همکاران (۱۳۹۵) بررسی زمینه های مؤثر در شکل گیری باغ شهرهای صفوی با تأکید بر آموزه های حکمی مذهب شیعه، هویت شهر، شماره ۲۵، سال دهم.

۷) حمزه نژاد مهدی، سعادت جو پریا، انصاری مجتبی؛ (۱۳۹۳) بررسی تطبیقی باغ سازی ایران در دوران ساسانی و اسلامی بر اساس توصیف های بهشتی، دوره ۳، شماره ۵.

۸) حیدرنتاج، وحید؛ منصوری، سیدامیر، (۱۳۸۸) نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل گیری باغ ایرانی، باغ نظر، دوره ۶، شماره ۱۲.

۹) خویی حمیدرضا، گراوندپور محمدرضا؛

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

(۱۳۸۹) شـرح معمـاری بـاغ تخـت شـیراز، نشـر صفـه، دوره ۲۰، شـماره ۵۱.

۱۰) زمانـی، احسـان و همـکاران؛ (۱۳۸۸) بازشناسـی و تحلیـل جایـگاه عناصـر موجـود در بـاغ ایرانی بـا تاکیـد بـر اصـول دینـی- آیینـی، بـاغ نظـر، شـماره یازدهم، سـال ششـم.

۱۱) سـروش، محمـد مهـدی گـودرزی؛ مختابـاد امرئـی، سـید مصطفـی؛ (۱۳۹۲) نمـاد گرایـی بـاغ ایرانـی در دوره اسـلامی، هویـت شـهر، شـماره سـیزدهم، سـال هفتـم.

۱۲) سـلطان زاده حسـین؛ (۱۳۸۲) از بـاغ تـا پـارک، مجلـه انسـان شناسـی (نامـه انسـان شناسـی)، دوره ۲، شـماره ۴.

۱۳) سـلطانی، مهـرداد؛ (۱۳۸۶) شـکل‌گیری بوسـتان هـای شـهری در دوره معاصـر، گـذر از مفهـوم بـاغ بـه پـارک، بـاغ نظـر، شـماره هشـتم، سـال چهـارم.

۱۴) سـیروس، شـهریار، (۱۳۹۳) پردیـس هخامنشـی خاسـتگاه بـاغ ایرانـی، فصلنامـه منظـر، دوره ۶، شـماره ۲۹.

۱۵) شـاه چراغـی آزاده، (۱۳۸۸) تحلیـل فرآینـد ادراک محیـط بـاغ ایرانـی بـر اسـاس نظریـه روان شناسـی بـوم شـناختی، هویـت شـهر، دوره ۳، شـماره ۵.

۱۶) طوسـی معصومـه، امامـی فـر سـیدنظام الدیـن، (۱۳۹۰) نمادشناسـی و نشـانه شناسـی عناصـر بـاغ هـای ایرانـی بـا توجـه بـه عناصـر بـاغ فیـن کاشـان، نگـره، دوره ۶ ، شـماره ۱۷.

۱۷) علائـی، سـینا؛ (۱۳۹۵) بررسـی و تاثیـر معماری و باغسـازی دوره صفـوی در باغ‌سـازی ائلگلـی شـهر تبریـز، مطالعـات هنـر و معمـاری، سـال دوم، شـماره ۴ و ۵.

۱۸) علایـی، علـی؛ (۱۳۸۸) تنـوع در طـرح معمـاری بـاغ هـای تاریخـی شـیراز بـاغ ارم و بـاغ تخـت و بـاغ جهـان نمـا و بـاغ دلگشـا، صفـه، دوره ۱۹، شـماره ۴۹.

۱۹) لبیـب زاده راضیـه، حمـزه نـژاد مهـدی، خـان محمـدی محمدعلـی، (۱۳۹۰) بررسـی تطبیقـی تاثیـر ایـده هـای معنـوی در شـکل بـاغ مطالعه مـوردی بـاغ پاسـارگاد از دوره هخامنشـی و بـاغ فیـن از دوره اسـلامی، بـاغ نظـر، دوره ۸، شـماره ۱۹.

۲۰) متدیـن، حشـمت الـه؛ (۱۳۸۹) علـل پیدایـش بـاغ هـای تاریخـی ایـران، بـاغ نظـر، شـماره پانـزده، سـال هفتـم.

۲۱) مدقالچـی، لیـلا و همـکاران؛ (۱۳۹۳) روح مـکان در بـاغ ایرانـی، فصلنامـه بـاغ نظـر، دوره ۱۱، شـماره ۲۸.

۲۲) منصـوری، سـید امیـر و نـدا عـرب سـلغار، (۱۳۹۴) سـیرتحول رابطـه سـاختاری بـاغ و شـهر در سـازمان فضایـی شـیراز از سـده چهـارم تـا دوازدهـم هجـری قمـری، دو فصلنامـه مطالعـات معمـاری ایـران، دوره ۱، شـماره ۸.

۲۳) نیلـی، ریحانـه و همـکاران (۱۳۹۴) شفابخشـی در منظرسـازی باغهـای دوره قاجـار، معمـاری و شهرسـازی آرمـان شـهر، شـماره ۱۱.

24) HeidarNattaj،Vahid .(2010).Bagh -e Irani) Iranian garden.(Tehran :Daftar-e Pajuheshha -ye Farhangi.

25) Turner، T .(2005) .Garden History. New York: Taylor & Francis e-Library.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]